

4-2-2018

Inspection 06

Krikor Guerguerian

Follow this and additional works at: <https://commons.clarku.edu/inspection>

Recommended Citation

Guerguerian, Krikor, "Inspection 06" (2018). *Inspection Reports / Teftiř Raporları*. 6.
<https://commons.clarku.edu/inspection/6>

This Book is brought to you for free and open access by the Ottoman Materials (Archive 1) at Clark Digital Commons. It has been accepted for inclusion in Inspection Reports / Teftiř Raporları by an authorized administrator of Clark Digital Commons. For more information, please contact mkrikonis@clarku.edu, jodolan@clarku.edu.



رافیه نالی ملت به انق صفتیه

نیت

نامه از ولایت ارضی السیریه حلب وقت بر حاده نور شد. از جمله که ولایت ارضی سلمه سنک ورن و دیات سانه دره بولیم قدر
 کند عهده ملت قاضی این اصولی معصومه العزیزه و لا یق اولدینی کیده. سو قدر که بواسطه انقا تحریر عینک ایدیم جهت حاله
 معارضه نامه. بافتحصین بوجبات لیج و لیسری قاضی قاری، قوه حکومتیه معینه بر تیره بوله و انجا ایدیمه و کیفیت
 ماریطج اجابان صحیحیه غیره بولند. احوال مذکوره از نظر نام الله استعمال اولدیمه چرکده و بوزن تحت حکومه
 بولنده مدین بوری افشاری طرفه انصاع اولند. حتی بوقوعه اجابیه با انک صالحه در صده اولد قاری حضورات قاهره دره
 در کل اغیار بونه اموال فردک رفی بوزن عوده تیره و کافه معینه بافتحصین و انجا تحریر و اجابان حضوره نظرند با مطبع
 نظر اغیار اولدیمه و تیره، مکتوبه که قوتی دولت و الهای قاری ماله سزیم بر قاضی بوزن این صیغه مدینه و تیره
 بوباره عکر بولندینی و سفر بران مبتدی حکومت عینک استخاره مجور قالدین غیر تنظیم موه از در اوله هر حضوره
 نفعدر حکومت حقیقه گوسترعلی غیر ماثول بولندینی اجمیر والی رسته بکنده مذکور چرکده از نظر این حکومت قدر
 ماده امثال سیراری قتریم حقیقه این بوزن در اوله مجور بولندینی و نه مذکور از در این حاله اولدیمه سیاست
 ایدیمه تطلاری سایه احتیاط اولدیم در. حکومه حکومت لایحه اولدیمه رسته بکنان یا محل آفره قالدین حقیقه
 بوباره استی تمهید ایدیم رفقای مجره سنک تسلیم رضی و یا خود بوقوه مناسبند تسلیمه طوبیون دیوانه
 دره تور بایرید. این سنه حکومت مجرمه ایج بروقت نظر اهدیه در طوبیون حقیقه و بر خیمت حالت اغیار
 ره مناسب اولدیمه و رسته تسخیر. او چرکده ایج تسخیرت معالیه تطبیق حق بولندیمه رسته بدین واسطه
 بوزن بر بھون سانه استانی سنه بولندیمه با بیکر و از بید حیزنه حله ایج تملاری نقطه سید بوزن
 حیزایانه تحریر و ظهور حقیقی تحقیقات سله من نتیجه حضور حیا، نه ملائی اولدیمه و حیز وقت عهده الهیه
 صورت اغیار حیزاری مجاری سیاست دره تجرید اولدیمه و لو اکتی اولدیمه بحاله استیغناء حیزاری سینه
 حله ایدیمه حیزاری حقوق و اندیشم نتیجه اولدیمه و چون بدین مصافه و سیاست لازم فکند. بوزن و فانی، معالیه
 اولدیمه. سو اسباب نوره رسته بکنان و چون بدین مصافه و سیاست لازم فکند. بوزن و فانی، معالیه
 نقره اجابان عوامده آری مناسبه حیا، نه ملائی
 صارتان قیلمه
 بوزن و فانی، معالیه
 حلی

دبا. و درین امر ایازی علی رفته بر عاده خود شده. از جمله آن دو بیت درین سخن است که در بیانات سابقه در مجرای قدر
 من جدت فاضله این احوالی صورتی ازین و درین اولین کیده. سوخته که بر احوال، انی تجربه چنانکه ایام بدت حاله
 من نامند. با خصوص بویان یحیی و بسیری قانقاریه. خود حکومت. منزه بر تیره بوده ای. به سده و کیفیت
 باطلح ایجاب صحیحی عیشت بودند. احوال مذکوره در ذممه نامی انده استخام او بنا بر جزر و بزرگ تحت حکومه
 بر نامه بدیسی در بری افزای طرفه افشاح اولیده. حتی بر قوه اجرائه باید حاصله بر سه اوله قاری و نمودات قاهره دره
 در کل اخیرا خود احوال زدند و درین برین عده تیره و کافله منزه بر احوال، قاری مانند سرب بر قاع بزرگ بر این فضاغه میانه درین
 نظر احوال او بسیار کثیر. منقده که خود دولت و الهای، قاری مانند سرب بر قاع بزرگ بر این فضاغه میانه درین
 بر نامه عذر بودند و سفر بر این منتهی حکومت بیدت استخوان مجور قالدین بر ستم سه در ذممه در لکه در فضاغه
 نغز حکومت عقیده گویست که غیر مایل بودند اینجه والی رتبه بکده مذکور در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 داده احوال سید که تقریر حقو این برین در ذممه در این حال حاضرده سیاست رتبه بکده مذکور در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 ایامه تخیلی سایه اعتبار آورده در. حکمت عاقله لایحه اوله صحت رتبه بکده مذکور در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 بوده استی تمهید ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 در نور بسیار. این سخن حکومت کرده به هیچ بروقت نظر احوال در در طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 و مناسب اوله منی و ارسته ترجمه. او این سخن استی تمهید ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 برین بر عورت مانده استانگنده بوده دره بایکده و ازین عین جمله ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 جنبانده خبر و ظهوره در حقای تحقیقات مدله من غنچه و غیره جمله ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 هرچه افعال جباری مجاز به سایه دره خبر اوله منی و ارسته ترجمه. او این سخن استی تمهید ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 علاوه بر بناری خوف و اندیشه غنچه اوله منی و ارسته ترجمه. او این سخن استی تمهید ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 اوله منی و ارسته ترجمه. او این سخن استی تمهید ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 صادره فایده. تقریر ایجاب هر عاده از سایه غنچه ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 بهوشی موافقت انده اوله منی و ارسته ترجمه. او این سخن استی تمهید ایامه رفقای کرده شد تسلط رخص و با خود بر قوه مناسبند تسلط طریقی در ذممه در این حال حاضرده سیاست
 حکمت

تسلیت ختمی

نظم

۱۸۴۴

حکمت